

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای چهل و دوم (ختم قرآن)

جلسه ۲۸

۱۳۹۶/۰۸/۲۹



- ماهی برای شناخت بیشتر پیامبر
- التزام فکری و عملی به قرآن کریم
- تفاوت آیات محکم و متشابه
- نحوه‌ی مواجهه با آیات متشابه
- تنها مفسران حقیقی قرآن
- محکّمات نیز نیازمند تفسیر هستند
- قلبِ ولیّ الهی، حامل تمام حقایق و اسرار قرآنی است

شماریم. خط گرفتن برای شبیه شدن به آن حضرت باید دستور کار ویژه‌ی ماه ربیع‌المولود باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردمعه

ما در مورد پیامبر عظیم‌الشان (صلی الله علیه و آله) کوتاهی داریم و در شناخت و ارتباط عاطفی و روحی با حضرت فاصله داریم. باید از خدا بخواهیم که این فاصله کم شود. انسان باید همین مناسبت‌ها را برای این کار غنیمت بشمارد.

## ماهی برای شناخت بیشتر پیامبر

خداوند متعال، عزاداری‌های دو ماهه برای سیدالشهدا (علیه السلام) را به لطف و کرم خود از همه قبول فرماید. امیدوارم عمری باشد تا باز هم در مجالس حسینی، حضور فعال داشته باشیم و جزء بانیان و باکیان و مرثیه‌سرایان این مجالس باشیم.

## التزام فکری و عملی به قرآن کریم

«اللَّهُمَّ فَإِذَا أَفْذَتْنَا الْمَعُونَةَ عَلَي تَلَاوتِهِ، وَ سَهَلْتَ جَوَاسِي أَلَسْتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ وَ يَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمُحْكَمِ آيَاتِهِ وَ يَفْرَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ وَ مُوضِحَاتِ بَيِّنَاتِهِ».

انشاءالله خدای متعال به همه‌ی ما روحیه‌ی مجاهدت در راه خود و شوق شهادت را در دل ما زنده کند و روزی ما و همه‌ی دوستان و خواهندگان این جایگاه رفیع قرار دهد.

بحث ما در مورد چهل و دومین دعای صحیفه‌ی سجادیه بود که به این فراز رسیدیم. ما این فراز را بهانه قرار دادیم و ادب مع القرآن را ذیل آن توضیح دادیم.

ماه ربیع‌الاول هم بر همه‌ی عزیزان مبارک باشد و پر از خیر و گشایش و برکت. انشاءالله فرصت ربیع‌المولود را برای آشنایی بیشتر با پیامبر غنیمت

بینات قرآن کریم می‌فرماید: من در ارتباط با این آیات، حالت پناهندگی به قرآن کریم داشته باشم و در ضمن، به این آیات اقرار نیز داشته باشم.

بینات آیاتی است که در آن مطالب مبرهن بیان شده است. اینجا لازم است که یک نکته یادآوری شود.

### تفاوت آیات محکم و متشابه

ما از خود قرآن کریم متن داریم که کل قرآن محکم است. از طرف دیگر سند داریم که می‌گوید: کل قرآن کریم متشابه است. از سوی دیگر سند داریم که آیات کل قرآن را به محکم و متشابه تقسیم می‌کند. خلاصه‌ی مطلب این است که آیات قرآن از مقام حکمت صادر شده و دارای ثبوت و استحکام است: «کِتَابٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ» [۱] کتابی است که آیات آن استحکام یافته‌اند.

معنای عنوان دوم آن است که آیات کریمه‌ی قرآنی با همدیگر هماهنگی و شباهت دارند و

در ادامه‌ی این دعا، مقداری کار آسان است؛ چراکه در همان مقدمه و طلعه و مخصوصاً قطعه‌ی اخیر، مطالب در حد قابل ملاحظه‌ای تفصیل و بیان شد. اکنون منطبق با متن پیش خواهیم رفت تا از کلمات سیدالساجدین (علیه السلام) بهره‌ی بیشتری ببریم.

اینجا حضرت خطاب به خداوند فرمودند: ما را جزء کسانی قرار بده که حق مطلب و حق رعایت را در مورد قرآن ادا می‌کنند و در ارتباط با آیات محکم قرآن، تسلیم عملی دارند.

«يَدِينُ لَكَ» یعنی من ملتزم شوم و این التزام، هم فکر و هم خلق و هم عمل را در بر می‌گیرد؛ یعنی بینش و گرایش و کنش را در بر دارد. چنانچه در این سه مرحله در برابر قرآن کریم تسلیم شویم، به نقطه‌ی اوج دست یافته‌ایم.

«وَيَفْزَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ وَ مُوضِحَاتِ بَيِّنَاتِهِ».

در مورد آیات متشابه و آیات

خبره باید آن را به‌خوبی بررسی نماید تا معنایش روشن شود.

ما در مواجهه با آیات محکم و به قصد برداشت از ظواهر مشکلی نداریم و بر اساس قواعد صرفی و نحوی و بیانی و... استفاده‌های برداشتی می‌کنیم. اما الفاظ آیات متشابه حجیت پیدا نمی‌کنند؛ زیرا وجوه مختلفی دارد. قرآن کریم می‌گوید: انسان‌های سلیم النفس پس از مراجعه به قرآن کریم به آیات محکم تکیه می‌کنند، اما انسان‌هایی که اعوجاج دارند، سراغ آیات متشابه می‌روند تا با استفاده از آنها فتنه‌انگیزی کنند.[۲]

### نحوه‌ی مواجهه با آیات متشابه

یک سؤال اینجا مطرح کرده‌اند و آن اینکه با توجه به آنکه قرآن کتاب هدایت است، چرا آیات متشابه دارد؟! مؤدبانه‌اش این است که بگوییم: در ارتباط با آیات متشابه چه باید کرد؟! خود قرآن کریم تکلیف را روشن کرده و مراجعه به «الراسخون

سراغ هر بخش از آیات قرآن که می‌روید، به بحث‌ها و آیات دیگر شبیه هستند.

در مورد عنوان سوم هم کل قرآن به محکّمات و متشابهات تقسیم می‌شود. در آیات محکم دستورالعمل زندگی و تفکر به صورت شفاف و بدون ورود به احتمال‌های متنوع و متعدد مطرح شده است. اما بخش دیگری از آیات قرآنی هستند که نمی‌توان به ظاهر آن استناد کرد و وجوه مختلف و احتمالات گوناگون دارد. اسم این آیات را متشابهات می‌گذاریم.

در برقراری نسبت بین آیات متشابه و محکم می‌توان گفت بخش عمده‌ی آیات قرآن، محکّمات هستند و بخش کمتری را مشابهات در برگرفته است. آیات متشابه باید به آیات محکم عرضه شوند تا معنای صحیح آن به دست آید.

برای مثال آیه‌ی نور از مصادیق همین آیات است که یک مفسر

است؛ چراکه مترجم و مفسر و مبین قرآن را کنار گذاشتند. اینکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گلاویه فرمودند و گفتند: «إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» [۵] قوم من این قرآن را رها کردند. ناظر به همین گروه است.

اگر قرآن از عترت جدا شود، مهجور و تبدیل به یک کتاب دست‌آویز می‌شود که مورد تفسیر به رأی قرار می‌گیرد. مگر همین قرآن را داعش جلوی خود نمی‌گذارد و سر مسلمان‌ها را می‌برد و با اموال و میراث و نوامیس مردم چنین رفتار می‌کند؟! از قرآن مهجور و دورافتاده از عترت، چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود. این همه تفرقه و گروه‌گروه شدن، نتیجه‌ی جدا شدن قرآن از عترت است.

اگر قرآن از علی جدا شد، مهجور می‌شود و کنار می‌رود. در نتیجه آن نگرش جبری یزیدی به زیباترین آیه‌ی قرآن کریم تحمیل می‌شود؛ در حالی که سر قرآن ناطق را بریده و قرآن

**فی العلم**) را بیان کرده که به نصّ قرآن کریم، اسرار قرآن کریم نزد آنها است. [۳]

یک نکته هم وجود دارد و آن اینکه آیات متشابه محل امتحان مؤمنان است. اینجا که وجوه آیات متفاوت است، آیا تفسیر به رأی و خواهش‌های گروهی و فرقه‌ای و حزبی دارند یا حالت اقرار به خود می‌گیرند و دست‌ها را بالا می‌برند و علم این آیات را به اهلس می‌سپارند؟! معلوم می‌شود نقش هدایتی کتاب صامت وقتی کامل می‌شود که با کتاب ناطق همراه باشد؛ وگرنه کتاب صامت انعطاف‌پذیر و تحریف‌پذیر می‌شود و به جای آنکه هدایت کند، گمراه می‌کند.

کسانی که در مجلس رحلت پیامبر، در برابر نصّ اجتهاد کردند و در برابر تقاضای پیامبر که قلم و دوات خواستند، پاسخ اهانت‌آمیز دادند و «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» [۴] گفتند، گمراه شدند. قرآن برای این جماعت کتاب مضل

علی (علیه السلام) است. این همان معنای «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» [٦] تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند» است. تأویل، مخصوص آیات متشابه است. «راسخون فی العلم» هم منحصر در اولیای کامل می‌شود و روایتی از پیامبر عظیم‌الشان (صلی الله علیه و آله) است که فرمودند:

«تنزیل قرآن با من است و تأویل و تفسیر آن بر عهده‌ی علی» [٧].

هر جا دسترسی پیدا نکردیم، بر اساس قاعده باید اهل فن، آیات متشابه را به آیات محکم ارجاع دهند و سالم‌ترین و بهترین نوع برداشت را در اختیار ما قرار دهند. ما آن برداشت را به عنوان یکی از احتمالات در مورد معنای آیه قبول می‌کنیم.

پس در برابر آیات محکم باید تسلیم باشیم و در برابر آیات متشابه، به این آیات پناهنده می‌شویم و اقرار می‌کنیم و به شیوه‌ای که از طریق خدای متعال در اختیار ما قرار

ناطق حی را در زنجیر کرده‌اند.

برداشت‌های سطحی ما از آیات قرآن نیز چنین است و حتی ابتلائات ما در بحث ارتباطات ظاهری با قرآن کریم نیز ناشی از همان مصیبت عظمای اول است.

### تنها مفسران حقیقی قرآن

آیات متشابه حامل اسرار و زیبایی‌ها و نکته‌های فوق‌العاده‌ای است که باب جدیدی را به روی مضامین متفاوت و فوق‌العاده باز می‌کند. این اسرار باید در ظرف الفاظ قرار می‌گیرد و این الفاظ توانایی بیشتر از این ندارد. اینجا است که نیاز به قرآن ناطق آشکار می‌شود و بحث «راسخون فی العلم» پیش می‌آید.

در یکی از جلسات به مناسب عرض کردیم که کافران، پیامبری پیامبر را منکر شدند و پیامبر به آنها جواب می‌دهد که خدا برای من کافی است و آن کسی که همه‌ی علم کتاب نزد او است. این شخص همان



گرفته است، عمل می‌کنیم. به حسب ظاهر، آیات مربوط به نماز، جزء محکّمات است اما می‌بینیم که باز هم به تفسیر و توضیح نیاز دارد.

### محکّمات نیز نیازمند تفسیر هستند

خدا قرآن را به صورت مجمل و خلاصه و عصاره به پیامبر داده، سپس شگفتی‌ها و معارف تودرتو را به پیامبر الهام کرده و آن وقت دانش تفسیر بی‌ابهام و خالص آن را به ما ارث داده است و ما از همین طریق بر دیگران تفضیل داده شدیم.

علم همه‌ی قرآن نزد ائمه (علیهم السلام) است و هیچ کس را نمی‌توان با ایشان مقایسه کرد. گاهی دوستان رشته‌هایی با عنوان فقه مقارن یا امثال آن را مطالعه می‌کنند؛ اینها خوب است، اما علم آنجا نیست و از دل آن چیزی به دست نمی‌آید.

هر گوشه از قرآن کریم را به امام بسپارید، تا ببینید امام چه می‌کند!

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحَمَلًا وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكْمَلًا وَ وَرَثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسِّرًا وَ فَضَلْتَنَا عَلَيَّ مَنْ جَهَلَ عِلْمَهُ».

برخی خیال می‌کنند رجوع به «راسخون فی العلم» فقط به آیات متشابهه مربوط است؛ اما همین متن نشان می‌دهد که در محکّمات، نظیر احکام نماز نیز باید به این گروه مراجعه کنیم. اگر تمام آیات مربوط به نماز را جمع کنید، به جای آنکه تکلیف روشن شود، پیچیده‌تر می‌شود. آنجا است که پیامبر می‌فرماید: همان‌طور که من نماز می‌خوانم، نماز بخوانید.

اهل تأویل، ذیل آیات شفافیت نیز کار خود را می‌کنند و از دل آن، تکتف و آمین‌گویی و وضوهای متکلفانه به دست می‌آید.

است. عظمت و شرف قرآن پیش  
فاضل شریف است. در این فراز  
می‌گوییم: خداوند، همان‌گونه  
که قلب ولی کامل را حامل  
تمام اسرار و عجایب کتاب  
الهی قرار دادی و به رحمت  
خودت، فضیلت و شرف قرآن  
را به ما معرفی کردی، پس بر  
محمدی که مخاطب این آیات  
قرار گرفته است، درود فرست.

خطیب اینجا به معنای مفعولی‌اش  
است که مخاطب قرآن قرار  
گرفته است. بعد از درود بر پیامبر،  
بر آل و عترت او درود می‌فرستد  
که خازنان و دربرگیرندگان و  
حافظان حقایق قرآنی هستند. ما  
را نیز در زمره‌ی کسانی قرار بده  
که معترف هستند که این کلام از  
سوی تو است تا در این اعتراف  
هیچ شک و تردیدی پیدا نشود  
و در وجود ما خلجان و گمراهی  
از طریق مستقیم دیده نشود.

انشاءالله که خدای متعال ما را  
قدرشناس قرآن و عترت قرار دهد.  
که دو میراث عظیم نبوی هستند.  
خدا را به حق قرآن و عترت و

## قلب ولی الهی، حامل تمام حقایق و اسرار قرآنی است

«و قَوِّبْتَنَا عَلَيْهِ لَتَرْفَعَنَا  
فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمَلَهُ».

شرح صدر ولی که در بیان «أَلَمْ  
نُشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» [۸] آیا برای  
تو سینه‌ات را نگشاده‌ایم» وجود  
دارد، به معنای اشرف ولی  
به تمام عالم و معانی و آیات  
است. این شرح صدر حجت  
بالغهی کامله‌ی الهیه، همان  
اعطای ولایت کلیه‌ی الهیه به  
او است. اینجا است که معنای  
صدر ولی هم تغییر می‌کند.

«اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ  
حَمَلَهُ وَ عَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ  
وَ فَضْلَهُ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّد  
الْخَطِيبِ بِهِ، وَ عَلَي آلِهِ الْخَيْرَانِ  
لَهُ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ  
مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا  
الشَّكُ فِي تَصَدِيقِهِ، وَ لَا يَخْتَلِجُنَا  
الزَّيْغُ عَنِ قَصْدِ طَرِيقِهِ».

قلب ولی کامل، حامل تمام  
حقایق قرآنی و اسرار کتاب الهی

حضرت مهدی قسم می‌دهیم که دوران غیبت را به عصر ظهور حضرت مبدل نماید و آیات متشابه قرآن را وسیله‌ای برای اشتداد شوق و شعله گرفتن عطش به دیدار حضرت و تقویت انتظار ما برای زیارت آن حضرت قرار دهد.



### منابع و مأخذ

[۱]. هود: ۱.

[۲]. آل عمران: ۷.

[۳]. همان.

[۴]. صحیح بخاری، کتاب المرضی، باب ۱۷ (باب قول المريض قوموا عنی)، ج ۱

[۵]. فرقان: ۳۰.

[۶]. آل عمران: ۷.

[۷]. دانشنامه امیر المؤمنین (علیه السلام)، ج ۱۰، ص ۵۵۰.

[۸]. شرح: ۱.



افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

بعد از نماز مغرب و عشاء

(۶ ماه دوم سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر

